

بسم الله الرحمن الرحيم

□ لطفاً مختصری از زندگی نامه، تحصیلات، اساتید، وضعیت حوزه‌های علمیه و طلاب در گذشته و نکات آموزنده‌ای که برای طلاب و محققان مفید فایده باشد بیان فرمایید.

■ سال ۱۳۰۸ در روستای دوان -

موطن فیلسوف نامی جلال‌الدین دوانی متولد شدم. و شرح حال همین فیلسوف نامی نخستین تألیف این جانب است.

جمعاً ۷ سال در آبادان اقامت داشتم و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و دوره آشنایی با زبان انگلیسی در ۱۶ سالگی برای تحصیل علوم دینی عازم نجف اشرف شدم و پنج سال و نیم در این شهر مقدس اقامت داشتم و توفیق یافتم محضر حضرت آیت‌الله العظمی اصفهانی مرجع مطلق عصر و آیات عظام نجف اشرف: آیت‌الله حکیم، آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله سید محمود شاهرودی، آیت‌الله میرزا آقای اصطهباناتی را درک نمایم.

آن زمان مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در قم مستقر بودند و مرجعیت از نجف به قم انتقال یافته بود.

البته آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی هم ۴ ماهی بعد از مرحوم آیت‌الله العظمی اصفهانی مرجعیت پیدا کردند ولی به دلیل کهولت سن دیری نپایید که به رحمت ایزدی

درک
والمستقیم
لقد کون بجمع الاله

نجم الموعود
۱۳۰۸

۱۳۸ شماره ۳۰۲

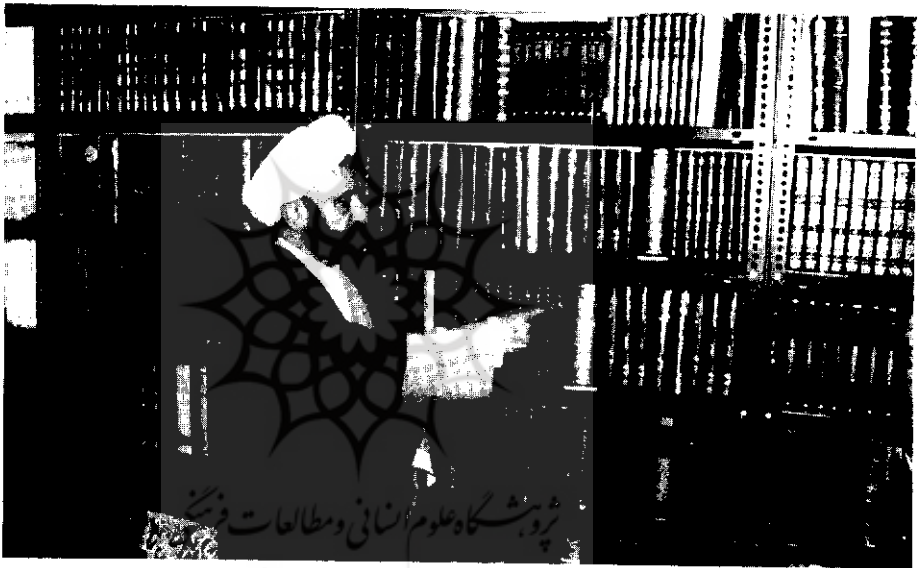
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوستند.

افزون بر تعلم، علاقه وافری به مطالعه داشتم و از کتابهای مدارس شریانی و سید از جمله کتب خطی - بهره مند می شدم. از آقایانی که آن موقع در نجف بودند، شیخ ابوالقاسم تهرانی بود که بعدها در تهران به دکتر ابوالقاسم گرچی معروف و شناخته شد. ایشان از شاگردان ممتاز و

بود در مدرسه بزرگ آخوند که ایشان هم بعدها در ایران به نام دکتر سید جعفر شهیدی شناخته شدند و همان موقع نیز از فضیلتی نجف بشمار می رفتند و هم اکنون نیز در عرصه های علوم اسلامی و ادبیات خدمات شایانی دارند.

در حوزه علمیه نجف چون نظم و ترتیب و امتحان به نحو امروز برقرار نبود



نهی المذنبه
ج ۱۰

شماره ۲ و ۳ و ۱۳۹

وئی طلاب خود به طور جدی درس می خواندند و با رنج و سختی به مقامات عالی هم رسیدند. اصولاً هر چه تشریفات در حوزه ها بیشتر بشود بالا رفتن مقام علمی طلاب کمتر می شود و گویا حدیث قدسی است که می فرماید:

«إِنِّي وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِي الْجُوعِ».

من علم را در گرسنگی قرار دادم.

در طول تاریخ هم نوابغ، علما و فقها، متکلمین، فلاسفه، مفسرین و محدثین و

برجسته مرحوم آیت الله العظمی خوئی بودند که همان موقع درجه اجتهاد داشتند و الان هم از رجال فاضل و مجتهد به شمار می روند.

دیگر آیت الله حاج میرزا علی فلسفی است، که در مشهد اقامت دارند و از نظر علمی شاخص و ممتاز هستند و اگر حاضر شوند رساله بنویسند قطعاً یکی از مراجع مسلم خواهند بود.

و دیگری آقای سید جعفر بروجردی

مورخین نامی ما با همین شرایط زندگی کردند.

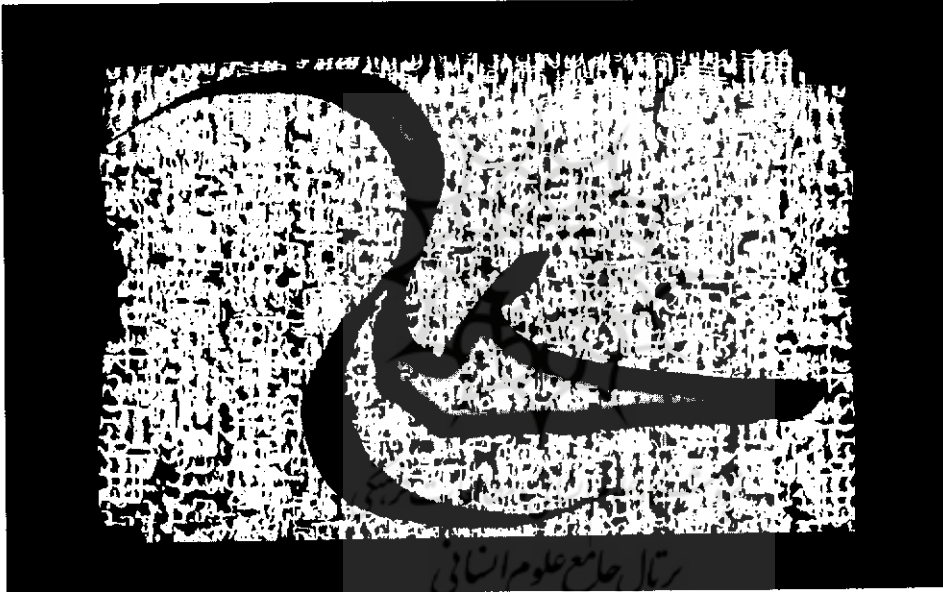
خوشبختانه شرح احوال علمای دین رشته تخصصی من است و تابحال ۳۵ جلد کتاب در همین زمینه انتشار داده‌ام. از جمله دوره مفاخر اسلام که تابحال ۸ جلد آن به طبع رسیده است و ما می‌بینیم هر جا که رفاه بوده و طلاب در رفاه بوده‌اند، مزه علم را چندان نچشیده‌اند و کمتر هم به جایی

امام هم درس معقول و فلسفه را رها کردند و به تدریس خارج فقه و اصول پرداختند.

در طول ۲۲ سال اقامت در قم افزون بر تحصیل، به کار خطابه و منبر و تبلیغ در داخل و خارج از کشور از جمله کویت پرداختم و در اوقات فراغت مقالات و خاطرات خود را در مجلات، روزنامه‌های دینی از جمله روزنامه ندای حق در تهران، روزنامه وظیفه و مجله مسلمین، روزنامه

نهمین دوره
۱۰۰

۱۴۰ شماره ۳۰۲



رسیده‌اند.

استوار قم، روزنامه خاک خسرو کرمانشاه به طبع می‌رساندم.

از آن پس بیشتر توجهم معطوف نویسندگی و تحقیق به سبک روز شد.

و در ۲۳ سالگی اولین کتابم را با عنوان شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی تألیف کردم که استاد فقید علامه طباطبایی و سه نفر از بزرگان بر این کتاب تقریر نوشته‌اند و این کتاب در جلد پنجم مفاخر اسلام به

در عصر مرجعیت مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی به قم بازگشتم و از محضر استادان بزرگ حوزه بهره‌مند و مستفیض شدم؛ منجمله درس آیت‌الله العظمی امام خمینی استاد علوم عقلی و فلسفی، و درس تفسیر مرحوم علامه طباطبایی.

با آغاز درس فلسفه مرحوم طباطبایی

صورت کاملتر خواهد آمد.

سپس با ۹ تن از فضلاء نامی قم به فکر تأسیس و نشر مجله‌ای به نام «مکتب اسلام» برای حوزه افتادیم. تیراژ این مجله در سال سوم به صد و بیست هزار نسخه رسید.

دومین اثر بنده شرح زندگانی استاد گل وحید بهبهانی است که مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی دو بار در حضور آقایان کار را تحسین فرمودند، و صورت مرا بوسیدند.

کتاب بعدی هم مهدی موعود بود که ترجمه جلد سیزدهم بحار است و در پاسخ به فرقه ضالّه بهائیه است. این کتاب به دستور مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی ترجمه و نگارش گردیده و تا بحال بیش از سی بار تجدید چاپ شده است.

کتاب دیگر، شرح زندگانی آیت‌الله العظمی بروجردی است که در چهلمین روز رحلت آن مرجع بزرگ با عنوان «زعیم بزرگ عالم تشیع» آماده چاپ شد و چاپ چهارم آن جلد دوازدهم کتاب مفاخر اسلام است.

به هر حال، بعد از ۲۲ سال اقامت در قم، در سال ۱۳۵۰ هـ ش به تهران آمدم.

افزون بر فعالیتهای علمی، شرکت در سمینارها و ارائه مقالات و تدریس در دانشگاهها توفیق نشر ۹۰ جلد کتاب در زمینه‌های تألیف، تحقیق، تصحیح و ترجمه را یافتم.

□ آشنایی و ورود حضرت‌عالی به نهج‌البلاغه از چه زمان و با چه انگیزه‌ای آغاز شد و به نظر حضرت‌عالی اولویتهای پژوهشی در این زمینه چه می‌باشد؟

■ از دیرباز در اندیشه تحقیق و پژوهش در نهج‌البلاغه بودم و بحمدالله توفیق رفیق شد تا پیرامون این کتاب غنی و جامع و سرشار از حکمت و معارف اسلامی و انسانی کارهای ذیل را ارائه دهم:

- تهیه مقدمه نسبتاً مفصل برای ترجمه فارسی کتاب «ما هو نهج‌البلاغه» تألیف مرحوم آیت‌الله سید هبه‌الدین شهرستانی همراه با چک و اصلاحات در ترجمه که توسط بنیاد نهج‌البلاغه به زیور طبع آراسته شد.^(۱)

- کتاب سیدرضی مؤلف نهج‌البلاغه حاوی شرح کامل سید مؤلف، مطالبی پیرامون شروح و ترجمه‌های نهج‌البلاغه و پاسخ به اشکالات وارده بر آن

- ارائه مقالات متعدد در کنگره‌ها و یادواره‌های نهج‌البلاغه که در برخی از ویژه نامه‌ها و مجلات کشور از جمله میراث جاویدان چاپ شد.

- انجام مصاحبه‌های متعددی در برنامه‌های صدا و سیما.

بنابراین از سال ۱۳۴۶ ش در این اندیشه بودم و بر این باور هستم که در زمینه

نهج‌البلاغه

شماره ۳ و ۲ ۱۴۱

نهج البلاغه باید افزون بر شرح و بسط موضوعی کلمات قصار حضرت به بحثهایی پرداخت که جنبه جهانی و دنیاسند داشته و متناسب با نیازهای جامعه و زمان باشد. از جمله مباحث مربوط به جوانان، تعلیم و تربیت، اقتصاد، روانشناسی، حقوق، حقوق زن و حتی امر طب و طبابت همچون مقاله دکتر ابوتراب نفیسی که در ۱۳۷۹ از سوی بنیاد نهج البلاغه به چاپ رسیده است. پژوهش در مباحث تاریخی و سیره امیر مؤمنان (ع) نیز بسیار ضروری است تنها دور از تکرار و با نگاهی به کار عظیم گذشتگان همچون «الغدیر» علامه بزرگوار مرحوم امینی.

□ از چه زمان و با چه انگیزه‌ای مطالعات تاریخی خود را در مورد تاریخ اسلام بطور عام و زندگانی امام علی (ع) بطور خاص شروع کردید؟
بنده در همان ابتدای طلبگی که حتی قلم به دست نگرفته بودم علاقه به مباحث تاریخی داشتم و مطالعه می‌کردم حتی سفرنامه‌ها و داستان‌های تاریخی، تاریخ ایران، تاریخ اسلام و درباره شخص حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در همان زمان که در نجف اشرف بودم، مطالعه داشتم. مخصوصاً وقتی که مرحوم علامه امینی را می‌دیدم هنگامی که می‌آمد به حرم مطهر با آن جلال و جبروت خاص خود که

زاده مسطاً فی العلم و الجسم، وارد حرم که می‌شد روبروی ضریح مقدس که قرار می‌گرفت طوری گریه می‌کرد که شانه هایش از شدت تألم تکان می‌خورد من که طبله جوانی بودم متوجه نمی‌شدم ولی بعدها دیدم که ایشان حق دارند.

قدر زر زرگر شناسد

قدر گوهر گوهری

مظلومیت امیرالمؤمنین (ع) را که در یک قدمی آن قرار گرفته او می‌فهمید که به صاحب این بدن مطهر چه گذشته است؟ چه کسی بوده است؟ و امت جفاکار با او چه کردند؟

روی همین زمینه عشق و علاقه خاصی داشتم، هر جا که مطلبی درباره حضرت بود سریع یادداشت می‌کردم و به خاطر می‌سپردم و بعدها هم که به قم آمدم روی همان عشق و علاقه‌ای که به مولای مستقیان داشتم بیش از دیگران هر چه که می‌دیدم یادداشت می‌کردم و به خاطر می‌سپردم و الان به گونه‌ای است که هر گاه قلم و کاغذ به دست بگیرم می‌توانم زندگی امیرالمؤمنین (ع) را به طور کامل بنویسم.

□ واقعه غدیر یکی از معدود وقایعی است که از نظر سندیت هیچگونه شک و شبهه‌ای در آن راه ندارد، علیرغم سندهای معتبر و قوی با جریان سقیفه با تحریف و تفسیرهای گوناگون و به

انحراف کشیده شدن واقعه مزبور
روبرو می شویم، ریشه این انحراف را
در چه می دانید؟

■ در اهمیت غدیر همین بس که
محمد بن جریر طبری مورخ مشهور (متوفی
۳۱۰ هـ. ق) در کتاب الولاية به هفتاد و پنج

غدیر عده ای در سقیفه بنی ساعده برای
تعیین جانشین پیامبر گردهم آمدند و یک
نفر از مهاجرین و انصار هم اعتراض نکرد و
سرانجام هوای نفس بر عقول غلبه کرد و حق
مسلم و الهی امیرالمؤمنین علی (ع) غصب
گردید و دین را بدینا فروختند و این فاجعه



طریق حدیث غدیر را نقل کرده است. ذهبی
مورخ مشهور می گوید که از کثرت طرق
کتاب الولاية طبری به وحشت افتادم.
و علامه امینی^(۲) هم در جلد اول کتاب
الغدیر با ۱۱۰ طریق از طرق اهل تسنن
حدیث الغدیر را آورده است، ولی چه شد
که باگذشت تنها دو ماه و ۱۰ روز از واقعه

بزرگ در تاریخ اسلام بوجود آمد.
امیدوارم توانسته باشم در کتابی با عنوان
«غدیر خم، حدیث ولایت» که در شرف
چاپ است ابعاد این واقعه مهم را شرح داده
و حق مطلب را ادا کرده باشم.
اگر بشر از عقل فاصله بگیرد و اسیر
هوای نفس شود دیگر هیچ چیز جلودارش

نیست. همین شرایط در دوران امام(ع) پیش آمد به نحوی که عده‌ای که در غدیر خم حضور داشتند حتی حاضر نشدند در زمان خلافت ظاهری حضرت اقرار کنند و پیری و ضعف حافظه را بهانه کردند.

نمونه عینی این قضیه در زمان خودمان نیز اتفاق افتاده است که کسانی در سایه عنایت مرحوم امام(ره) به چه مقاماتی رسیدند و بعد چگونه تغییر موضع دادند و حتی اسلام و انقلاب را زیر سؤال بردند.

□ سر منشأ و علت سرخوردگی مردم و روی آوردن آنان با امیرالمؤمنین(ع) را در چه می‌دانید؟

■ با گذشت ۲۵ سال از رحلت پیامبر اکرم(ص) تحریفات زیادی در دین خدا صورت گرفته بود، و حضرت پس از اصرار مردم با بی میلی خلافت را پذیرفتند و اولین کسی که با حضرت - با دست لرزان - بیعت کرد طلحه بود و از همین روی حضرت فرمودند: اولین دستی که برای بیعت به سوی من دراز شد دست طلحه بود و حکومت من هم به همین صورت تا آخر لرزان است.

□ ریشه‌های فکری و عملی شکل‌گیری خوارج را در چه می‌دانید؟
■ اصولاً خوارج زائیده جنگ جمل هستند. اینها در جنگهای سابق با غنائم

فراوانی برمی‌گشتند و همواره از بیت‌المال برخوردار بودند ولی در جنگ جمل ناکام ماندند. زیرا حضرت به سپاهیان اجازه نفرمودند به شهر حمله شود که این مسئله باعث سرخوردگی و کینه افراد شد.

در جنگ صفین هم خوارج با بی میلی آمده بودند، همین که مالک اشتر به خیمه معاویه رسید، اشعث بن قیس فرصت را غنیمت شمرد و اطرافیان خود را با توجه به کینه‌ای که در جمل به دل داشتند به شورش تحریک کرد. آنان پس از جنگ صفین در نزدیک کوفه تجمع کردند و گوش بر موعظه‌های عبدالله بن عباس و شخص حضرت علی(ع) بر بستند و سرانجام از ۱۲۰۰۰ نفر، ۴۰۰۰ نفر پافشاری کردند که آنان نیز در جنگ نهروان شکست خوردند.

* با تشکر از حضرت تعالی که وقت خود را در اختیار فصلنامه نهج البلاغه قرار دادید.

* من هم از شما متشکرم و برای شما و مسئولین بنیاد، آرزوی توفیق بیش از پیش می‌کنم.

پانویشت:

- ۱- این کتاب توسط میرزاده آهری از عربی به فارسی برگردانده شده است.
- ۲- استاد دوانی تأسیس «کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین» به مدیریت مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی در نجف اشرف را از کارهای بزرگ مرحوم علامه امینی برشمردند. ایشان اظهار امیدواری کردند که آثار غیرمطبوع علامه امینی نیز به زور طبع آراسته شود.



پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی